| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ | تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۱/۱۸ |

سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی: ملاحظاتی مفهومی و توصیه‌هایی روشی

سید علی سیدی فرد*

دانش‌آموختهٔ دکتری فلسفهٔ غرب معاصر، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

s_seyyedifard@sbu.ac.ir

| فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی | شماره پیاپی ۲۵ | زمستان ۱۴۰۰ | صص ۲۵-۱۱ |

چکیده

حوزهٔ مطالعات سنت‌های الهی حیطهٔ نظری مهمی است که تقریباً همهٔ دانش‌های انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رشد و توسعهٔ این حوزهٔ مطالعاتی با پاره‌ای موانع و مسائل نظری روبه‌روست. مقالهٔ حاضر کوششی برای پاسخ به دو مسئلهٔ نظری پیش‌روی مطالعات سنن الهی است: الف) به لحاظ فلسفی چه تصویر دقیق و جامعی از سنت‌های الهی اجتماعی می‌توان ارائه کرد؟ ب) آیا سنت‌های الهی از قبیل «قوانین مشروط به ثبات شرایط هستند» که به‌دلیل اشتمال بر قیود و شروط پنهان هیچ‌گاه حساسیت بالایی به داده‌های تجربی ندارند و به‌تبع به کار تبیین و پیش‌بینی نمی‌آیند؟ پرسش دوم، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظری پیش روی مطالعات سنن الهی است. در مقالهٔ حاضر، ابتدا به لحاظ فلسفی تلقی روشنی از «سنن الهی اجتماعی» ارائه شده و سپس در بخش اصلی مقاله، پیشنهادی پنج‌مرحله‌ای برای چگونگی کشف قیود و شروط سنت‌های الهی و صورت‌بندی این سنت‌ها به‌نحوی‌که به داده‌های تجربی حساسیت داشته باشند، ارائه شده است. این مراحل عبارت‌اند از: «ایضاح مفاهیم مضمون در گزاره‌های حاکی از سنن الهی»، «کشف مصادیق مفاهیم مذکور با تکیه بر روایات برای فهم بهتر آن‌ها»، «فهم و صورت‌بندی روابط میان سنت‌های الهی»، «تطبیق سنت‌های الهی بر جهان انسانی ایستا» و «تطبیق سنت‌های الهی بر جهان انسانی پویا و تجدید نظر در فهم تفسیری به دست آمده از سنت‌های الهی».

کلیدواژه‌ها: مطالعات سنن الهی، سنت الهی اجتماعی، هم‌بستگی، نظریات مشروط به ثبات شرایط، حساسیت به داده‌های تجربی.

* https://orcid.org/0000-0003-3769-0837

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

مقدمه

مطالعات ســـنن الهی حوزۀ مطالعاتی وسیعی است که همۀ علوم انسانی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علـــوم اجتماعی در باب کنش‌های اجتماعی بحث می‌کنـــد. اگر بپذیریم کنش‌های اجتماعی انســـان علی‌الاصول موضوع «قوانین تکوینی» واقع می‌شوند و «ادلۀ نقلی» معتبر در دین اســـلام، به‌ویژه قرآن کریم می‌توانند منبعی برای شـــناخت واقعیت‌های باشند، می‌توان برای کشف قوانین اجتماعی (قوانین ناظر به کنش‌های اجتماعی انســـان) به ادلۀ نقلی رجوع کرد. اندیشمندان اســـلامی برای اشـــاره به این قوانین از تعابیری مانند «ســـنت‌های الهی در تدبیر جوامع» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۶۷) یا «ســـنت‌های تاریخی در قرآن کریم» (صدر، ۱۴۲۱ الف، ص ۴۳) استفاده کرده‌اند. علامه طباطبائی تعبیر «ســـنت‌های اجتماعی» را بیشـــتر در معنای قواعد حقوقی و عرفی معمول در جوامع به کار می‌برد (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، صص ۱۸، ۱۳۲، ۱۸۴) نه قوانین تکوینی. با وجود این، ایشان در کتاب المیزان فی تفسیر القرآن با عناوین دیگری از قوانین تکوینی حاکم بر کنش‌های اجتماعی انســـان نیز بحث می‌کنـــد (ر. ک: طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، صص ۱۸۸-۱۷۲، ج ۸: ۱۹۵، ج ۹: ص ۷۴).

تقسیم‌های گوناگونی دربارۀ سنت‌های الهی اجتماعی وجود دارد که شهید صدر آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف) سنت‌های قابل بیان به‌صورت گزارۀ شرطی

ب) سنت‌های قابل بیان به شکل گزاره وجودی

ج) سنت‌های بیانگر گرایش طبیعی کلّی[1] (صدر، ۱۴۲۱ الف، صص ۹۹-۸۹).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز ســـنت‌های الهی اجتماعی را به ســـنت‌های اخروی و دنیوی تقسیم می‌کند. در مرتبۀ بعد، سنت‌های دنیوی به سنت‌های فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند و سنت‌های اجتماعی تحت دو مقولۀ سنت‌های اجتماعی مطلق و مشروط قرار می‌گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، صص ۴۷۸، ۴۷۰). آنچه شـــهید صدر «ســـنت‌های قابل بیان به‌صورت گزارۀ شرطی» می‌نامد، تقریباً همان «سنت‌های اجتماعی مشروط» از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی است. پس از بیان این مقدمۀ کوتاه می‌توان مسئلۀ مقاله حاضر را در قالب دو پرسش جزئی‌تر بیان کرد که پاسخ به پرسش اول تمهیدکنندۀ پاسخ به پرسش دوم (پرسش اصلی) است:

الف) به لحاظ فلسفی چه تحلیل معقولی می‌توان از سنت‌های الهی ارائه کرد؟

۱. الاتجاه الطبیعی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

ب) آیا گزاره‌های بیانگر سنن الهی، به داده‌های تجربی حساسیت کافی دارند؟ چه راهکاری برای کشف قیود و شروط پنهان سنت‌های الهی وجود دارد؛ به‌نحوی‌که با تصریح به آن قیود حساسیت این سنت‌ها به واقعیت‌های تجربی بیشتر شود؟

پاسخ روشن به پرسش اول، زمینه را برای مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، یعنی معضل حساسیت اندک گزاره‌های ناظر به سنن الهی دربارهٔ واقعیت‌های تجربی فراهم می‌کند. در این مقاله، ابتدا تصویر فلسفی معقولی از سنت‌های الهی مطرح شده است. سپس پاره‌ای پیشنهادها و ملاحظات روشی دربارهٔ نحوهٔ استخراج و صورت‌بندی نظری دقیق سنت‌های الهی ارائه می‌شود؛ به‌نحوی‌که حساسیت پذیرفته‌ای را به داده‌های تجربی نشان دهند. باید توجه داشت بیشتر پژوهش‌های مربوط به سنت‌های الهی، ناظر به کشف این سنت‌ها از متون دینی بوده‌اند (ر. ک: صدر، ۱۴۲۱ الف؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، مطهری، ۱۳۸۹) و در باب این مسئله (نحوهٔ ایضاح قیود منطوی سنت‌های الهی برای حساسیت بیشتر به داده‌های تجربی) موضع‌گیری روشنی نداشته‌اند.

تحلیلی از سنت‌های الهی اجتماعی

چنان‌که در مقدمه بیان شد، تلقی روشن از سنت‌های الهی راه را برای تأملات دقیق‌تر پیرامون دیگر مسائل مربوط به این حوزه هموار می‌کند. تحلیلی که در این بخش ارائه می‌شود، ناظر به «سنت‌های الهی اجتماعی» است، اما مباحث بخش بعد (چگونگی صورت‌بندی سنت‌های الهی به‌نحوی‌که به داده‌های تجربی حساسیت داشته باشند)، ناظر به مطلق سنت‌های الهی خواهد بود. به‌طور خلاصه، خطوط کلی تلقی فلسفی موردنظر از سنت‌های الهی اجتماعی به‌صورت زیر بیان شده است:

سنت‌های الهی اجتماعی به‌مثابهٔ هم‌بستگی

سنت الهی اجتماعی یک رابطه هم‌بستگی مثبت یا منفی میان کنش‌های انسانی و برخی پدیده‌های طبیعی یا پدیده‌های روانی است. به دو مثال زیر توجه کنید:

۱. **(هم‌بستگی مثبت):** در گزاره شرطی بیان‌شده در آیهٔ شریفهٔ «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف: ۹۶)، متغیر مستقل «ایمان و تقوا» (کنش روانی و حالت ذهنی) و متغیر وابسته «برکات آسمانی و زمینی» (پدیده طبیعی) هستند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

۲. (هم‌بستگی منفی): در گزارهٔ شرطی بیان‌شده در آیهٔ شریفه «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (طه: ۱۲۴)، میان متغیر مستقل «إعراض از ذکر خدا» (کنش روانی) و متغیر وابسته «وضعیت معیشت»[۱] (پدیده‌ای روانی) نوعی هم‌بستگی منفی وجود دارد.

طرفین رابطهٔ هم‌بستگی در سنت‌های الهی اجتماعی

در سنت‌های الهی اجتماعی، متغیر مستقل «حالتی ذهنی» یا «کنشی انسانی»، اعم از کنش روانی و بدنی (نصرت، جهاد، ظلم و...) و متغیر وابسته «پدیده‌ای طبیعی» (باران، باد و...) یا «پدیده‌ای روانی» (سکون قلبی، شادی، غم و...) هستند. تعبیر هم‌بستگی میان دو متغیر، بنا به جهاتی از تعبیر رابطهٔ علی مناسب‌تر است؛ زیرا اولاً در بسیاری از سنت‌های الهی (مانند سنت نصر اهل ایمان در جنگ)، کنش‌های افراد در معنایی قوی (علیت تامه)، مقدمهٔ محقق‌شدن نتیجهٔ وعده داده شده نیستند و به یک تعبیر علت اعدادی تحقق نتیجه هستند، اما علیت در بسیاری از بافت‌ها در معنایی قوی فهمیده می‌شود. همچنین تعبیر هم‌بستگی هم شامل قوانین علی[۲] می‌شود (زیرا علیت هم نوعی هم‌بستگی واقعی است) و هم شامل قوانین تابعی.[۳] درنهایت، تعابیر بدیلی مانند «ضرورت بالقیاس» نیز برای توصیف رابطهٔ طرف‌های یک قانون تکوینی الهی مناسب نیست؛ زیرا ضرورت بالقیاس ضرورتی اثباتی است؛ درحالی‌که هم‌بستگی می‌تواند ناظر به مقام ثبوت باشد.

منشأ انتزاع سنت‌های الهی اجتماعی

سنت الهی اجتماعی، به معنایی که ذکر شد، از سنخ «قانون» است. قانون محکی یک «گزارهٔ شرطی» است، نه خود آن گزاره. قانون یا سنت الهی اجتماعی، یک «معقول ثانی فلسفی» است که منشأ انتزاع شأنی[۴] آن «توالی میان کنش بدنی یا روانی انسان و پدیده‌ای طبیعی یا روانی» است، اما گزارهٔ شرطی حاکی از قانون یک «معقول ثانی منطقی» است (چنان‌که همهٔ قضایا معقولات ثانیهٔ منطقی هستند).

۱. در تنگنا و سختی‌بودن حیات و معیشت انسانی، امری روانی است که گاهی اسباب مادی دارد و گاهی چنین نیست.

2. Causal Laws

3. Functional Laws

۴. ذکر قیدِ «شأنی» برای منشأ انتزاع معقولات ثانیه، به این دلیل است که گاهی ما قوانین و سنت‌های الهی اجتماعی را به‌کمک قوای ادراکی طبیعی انتزاع و ادراک نمی‌کنیم، بلکه با رجوع به ادلهٔ نقلی به آن‌ها پی می‌بریم؛ بنابراین هرچند آن‌ها بالفعل توسط فعالیت عقلی انتزاع نشده‌اند، منشأ انتزاع آن‌ها شأنیتِ منتزعٌ عنهٔ واقع شدن را داشته است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

استناد به نقل برای کشف سنت‌های الهی اجتماعی و ریشهٔ آن

سـنت‌های الهی اجتماعـی معمولاً از طریق مشـارکت حس و عقل به دسـت نمی‌آیند، بلکه از مشارکت نقل و عقل حاصل می‌شوند.[1] دلیل مشارکت‌نداشتن حداکثری حس در کشف سنت‌های اجتماعی الهی وجود دو مانع است:

الف) مانع حسی: در برخی موارد، یکی از طرفین رابطهٔ هم‌بستگی معمولاً با حس درک نمی‌شود؛ برای مثال در آیهٔ شـریفهٔ «بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَـوِّمِينَ» (آل عمران: ۱۲۵)، متغیر مستقل «صبر و تقوا» و متغیر وابسته «امداد الهی به‌واسـطهٔ پنج هزار فرشـته» است در این نوع سـنت الهی، متغیر وابسته (امداد به‌واسطهٔ فرشتگان) معمولاً با حس ادراک نمی‌شود. البته پس از کشف این سنت الهی به‌واسطهٔ ادلهٔ نقلی می‌توان لوازم مشاهده‌پذیر متغیر وابسته را مشاهده کرد.

ب) مانـع نظری: در برخی موارد، به‌دلیل پاره‌ای موانع نظری، شـخص به‌دنبال کشـف تجربی یک سـنت الهی اجتماعی نیست؛ برای مثال اگر فردی به آموزهٔ تمامیت فیزیک[2] و اصل بستار علـی- فیزیکی[3] (این آموزه که جهان فیزیکی به لحاظ علی بسـته اسـت و هر پدیدهٔ فیزیکی ضرورتاً علتی فیزیکی دارد) قائل باشـد، بعید است کشـف هم‌بستگی میان یک پدیدهٔ روانی (مانند ایمان، تقـوا، صبر و دعا) و یک پدیدهٔ فیزیکی (مانند آمدن بـاران و باد) برآید؛ زیرا از نظر او علیت ضرورتاً رابطه‌ای فیزیکی-فیزیکی بوده و علیت روانی-فیزیکی بی‌معناسـت. در سـنت‌های الهی اجتماعی، حتی تأثیر برخی از کنش‌هایی که وجه بدنی دارند (مانند جهاد)، باز هم مقید به نیت و وجوه روانی فاعل هسـتند و بدون لحاظ قصد کنشگر، کشف هم‌بستگی میان کنش مذکور و پدیدهٔ دیگر، براساس آموزه‌هایی دینی نامعقول است.

شاید بتوان وجه اتصاف این سـنت‌های اجتماعی به الهی‌بودن را همین نکته، یعنی تمسک به نقل به‌مثابهٔ واسـطه در اثبات و کشف این سنت‌ها دانست؛ چراکه پدیده‌های جهان خلقت، اعم از کنش‌های انسانی و پدیده‌های طبیعی، همگی تحت قوانین الهی هستند و از جهت انتساب ثبوتی به خداوند تفاوتی میان این قوانین و قوانین دیگر وجود ندارد. آنچه این سنت‌های اجتماعی را از سایر قوانین تکوینی متمایز می‌کند: وسـاطت نقل در کشف سـنت‌های الهی اجتماعی و تأکید و توجه ویژه ادلهٔ نقلی بر نقش خداوند در رابطه با جریان این سنت‌هاست.

---

۱. البته این به معنای آن نیست که پس از کشف یک سنت الهی اجتماعی نمی‌توان پیامدهای آن را به لحاظ تجربی مشاهده کرد.

2. Completeness of Physics

3. Physical Causal Closure

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

تنوع اسالیب بیانی نصوص در بیان سنت‌های الهی

چنان‌که بیان شد، ملازمه میان مقدم و تالی گزارهٔ شرطی حاکی از یک سنت الهی اجتماعی معمولاً به‌کمک دلیل نقلی به دست می‌آید، اما این به معنای آن نیست که ادلهٔ نقلی در همهٔ موارد از طریق بیان یک گزارهٔ شـــرطی این ملازمه را بیان می‌کننـــد. در برخی موارد، ملازمه از طریق دیگری مانند بیان تعلیل به دســـت می‌آید؛ برای مثال در آیهٔ شـــریفهٔ «یا أَیهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ ینْصُرْکمْ وَ یثَبِّتْ أَقْدامَکم» (محمد: ۷)، ملازمه میان نصرت خدا و نصرت از ســـوی خدا به‌صورت یک گزارهٔ شـــرطی بیان شده است که متغیر مســـتقل در آن «نصرت خدا» و متغیر وابسته «نصرت از سوی» خداست. در آیهٔ شریفهٔ «... وَضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْکَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ کَانُوا یَکْفُرُونَ بِآیَاتِ اللّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَکَانُوا یَعْتَدُونَ» (بقره: ۶۱)، ملازمه در قالب گزارهٔ شرطی بیان نشده، بلکه به‌صورت تعلیل آمده است. متغیر مستقل در اینجا مجموعه‌ای از افعال روانی و بدنی، یعنی «کفر به آیات خدا، قتل انبیاء الهی، عصیان و اعتداء» و متغیر وابســـته «ذلّت و مســـکنت و ابتلا به غضب الهی» است. اســـتظهار ملازمه از ادلهٔ نقلی منحصر به اسلوب «شـــرط» و «تعلیل» هم نیست و به‌طورکلی آنچه اهمیت دارد کشـــف اصل ملازمه در چارچوب ضوابط فهم متن است؛ مثلاً ممکن است شـــخص به شیوه‌ای استقرایی و با بررسی مجموعه‌ای از ادله، این ملازمه را به دست آورد (صدر، ۱۴۲۱ ب، ص ۲۴).

سنت‌های الهی و مسئلهٔ حساسیت به داده‌های تجربی

با توجه به تصویر ارائه‌شـــده از سنت‌های الهی اجتماعی، اکنون می‌توان مسئلهٔ اصلی را طرح کرد. دربارهٔ مطلق سنت‌های الهی (نه سنت‌های الهی اجتماعی به‌طور خاص) مسئله‌ای مهم وجود دارد که آیا ســـنت‌های الهی به واقعیت‌های تجربی حساســـیت دارند؟ برای مثال ممکن است شخصی به مقتضای ســـنت الهی «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَکُمْ» (محمد: ۷)، کنش‌هایی را به قصد نصرت الهی انجام دهد (متغیر مستقل)؛ در این صورت آیا او به لحاظ تجربی قادر اســـت نصر الهی و ثبات قدم (متغیر وابسته) را بیابد؟ اگر متغیر مستقل محقق شود، اما متغیر وابسته به‌دنبال آن نیاید، چه باید کرد؟ چگونه می‌توان سنت‌های الهی را به‌نحوی صورت‌بندی کرد که به داده‌های تجربی حساســـیت داشـــته باشـــند؟ به تعبیر دیگر، به لحاظ تجربی چگونه می‌توان مطمئن شـــد که مدلول مقدم گزارهٔ شـــرطی به‌طور کامل تحقق یافته است؟ آیا پس از استنباط یک سنت الهی از قرآن کریم می‌توان توقع داشت مدلول گزارهٔ به‌دست‌آمده با انتظارات تجربی ما همسو باشد؟

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

معمولاً درصورت برآورده‌نشـــدن انتظارات تجربی (محقق‌نشـــدن متغیر وابسته با وجود تحقق متغیر مستقل) گفته می‌شـــود احتمالاً یکی از قیود یا شروط متغیر مستقل محقق نشده و درنتیجه، متغیر وابســـته نیز تحقق نیافته است. می‌دانیم اگر ســـنت‌های الهی ارتباطی با واقعیت‌های تجربی نداشته باشند، در این صورت، تنظیم زندگی اجتماعی براساس آن‌ها تنها امری تعبدی خواهد بود، اما به نظر می‌رســـد لسان ادله مُبین این سنت‌ها به‌هیچ‌وجه مقتضی چنین چیزی (تبعیت تعبدی از آن‌ها) نیست، بلکه خلاف آن را اقتضا می‌کند. این مسئله را در دو سطح می‌توان بررسی کرد:

الف) آیا اساســـاً می‌توان «قوانین مشروط به ثبات شرایط»[1] را قانون به حساب آورد؛ قوانینی که بیان می‌کنند تنها با فرض ثابت‌بودن همهٔ شرایط، درصورت تحقق الف، ب نیز محقق می‌شود. این قوانین به‌صورت ضمنی مقید هستند (در پاره‌ای موارد به اموری نامشخص مقیدند) و به همین دلیل معمولاً اســـتثنائاتی داشته عمومیت و شـــمول تام ندارند. به نظر می‌رسد سنت‌های اجتماعی الهی نیز از قبیل «قوانین مشـــروط به ثبات شرایط» هستند؛ یعنی تنها اگر قیود ضمنی‌ای که گاه به‌وضوح روشن نیستند، در متغیر مستقل محقق شوند، متغیر وابسته را به دنبال می‌آورند و در غیر این صورت نه. به این ترتیب، آیا سنت‌های الهی اساساً قانون هستند؟

ب) چگونه می‌توان شـــرایط و قیود ناظر به تحقق ســـنت‌های الهی اجتماعی را روشـــن کرد؟ آیا رویه‌ای برای مشخص‌شـــدن قیود و شروط ســـنت‌های الهی وجود دارد؟ به‌نحوی‌که حساسیت گزاره‌های شرطی ناظر به این سنت‌ها را به واقعیت‌های تجربی بیشتر کند؟

هدف مقالهٔ حاضر، پاســـخ به پرسش الف نیست و دربارهٔ آن به بیان همین نکته بسنده می‌شود که قوانین دانش‌های خاص مانند زیست‌شناسی، جامعه‌شناسی و... از قبیل قوانین مشروط به ثبات شرایط هســـتند (Reutlinger et al., 2021, P. 1) و بســـیاری از قوانین فیزیک هم از این وضعیت مســـتثنا نیســـتند. افزون بر این، برخی برای نحوهٔ تبیین‌گری این قوانین نیز راهکارهای معقولی ارائه کرده‌اند (Kincaid, 1990, P. 72)، اما پرســـش ب، پرسشـــی جزئی و ناظر بـــه نحوهٔ مقیدکردن و روشـــن‌نمودن قیود و شروط مستتر در ســـنت‌های اجتماعی الهی است؛ به‌نحوی‌که حساسیت این ســـنت‌ها به واقعیت‌های تجربی بیشـــتر شود. پیشنهاد نویسنده در پاســـخ به این پرسش، ارائهٔ یک پیشنهاد پنج مرحله‌ای اســـت. طی‌کردن این مراحل موجب می‌شود سنن الهی، حساسیت تجربی بیشتری پیدا کنند. مراحل مذکور از این قرارند:

الف) ایضاح مفاهیم استفاده‌شده ضمن گزاره‌های شرطی بیانگر سنت‌های الهی اجتماعی

1. Ceteris Paribus Laws

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

ب) بررسی مصادیق بیان‌شده در ادلهٔ نقلی برای سنت‌های الهی اجتماعی
ج) استخراج روابط میان سنت‌های الهی اجتماعی
د) رجوع به تاریخ و تطبیق سنت‌های الهی اجتماعی بر روایت‌های تاریخی
هـ) رجوع به واقعیت اجتماعی و تطبیق سنت‌های الهی اجتماعی بر وضعیت‌های واقعی.

در ادامه به توضیح مختصر هریک از این مراحل پرداخته شده است:

ایضاح معنای واژگان ناظر به سنت‌های الهی

در مرحلهٔ نخست، باید تصور روشنی از مفاهیم استفاده‌شده ضمن گزاره‌های بیانگر سنت‌های الهی به دست آورد. گاه «مدلول تصوری» یا همان معنای لغوی مفهومی که ناظر به سنتی الهی است، روشن نیست و در پاره‌ای موارد «مدلول تصدیقی» آن ضمن یک قضیهٔ تامه وضوح ندارد یا محمل برداشت‌های گوناگون است؛ برای مثال باید دانست در آیهٔ شریفهٔ «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» (طلاق: ۳)، واژهٔ «توکّل» دقیقاً به چه معناست؟ یا در آیهٔ شریفهٔ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (انفال: ۲۹)، واژهٔ «تقوا» به‌عنوان متغیر مستقل و واژهٔ «فرقان» به‌منزلهٔ متغیر وابسته به چه معنا هستند؟

ممکن است در برخی موارد مفاهیم مرتبط با سنت‌های الهی به‌درستی فهم نشوند و به‌تبع، اشتباه در تشخیص مفهوم به اشتباه در تشخیص مصداق منجر شود. انطباق مفهوم بر مصداق امری قهری است و به اراده و اعتبار ما بستگی ندارد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۷۵)؛ روشن است هنگامی که مصداق دیگری جز مصداق حقیقی مفهوم محقق شود، لوازم مصداق حقیقی نیز تحقق نخواهند یافت؛ یعنی گاهی عدم تحقق انتظارات تجربی ما از سنن الهی در فهم نادرست مفاهیم ناظر به این سنت‌ها ریشه دارد، مفاهیمی مانند توکل، تقوا، صبر و... به این ترتیب، پس از استخراج مجموعه‌ای از سنن الهی، اولین گام، ایضاح مفهومی واژگان مضمون در گزاره‌های شرطی حاکی از این سنت‌هاست.

تفحص در روایات برای کشف مصادیق سنت‌های الهی اجتماعی

در مرتبهٔ بعد، مناسب است روایاتی که مصادیقی از سنت‌های الهی را بیان می‌کنند، احصا و در پرتو سنت‌های مذکور ملاحظه شوند. هدف از توجه به مصادیق، درک روشن‌تر از نحوهٔ انطباق مفهوم بر مصادیق و مساعدت به کشف مصادیق جدید در پرتو مصادیق ملاحظه شده است. توجه به این مصادیق، موجب ایجاد فهم بهتری به مفهوم می‌شود؛ برای نمونه در قرآن کریم بیان شده

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

اســـت که «وَمَنْ یَتّقِ اللّهَ یَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَیَرْزُقْهُ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُ» (طلاق: ۲-۳). در اینجا متغیر مستقل «تقوا» و متغیر وابسته «جعل مخرج» و «رزق» از سوی خداست. در یکی از روایات روضهٔ کافی چنین آمده است:

عَلِی، عَنْ عَلِی بْنِ الْحُسَـــینِ، عَنْ مُحَمَّدٍ الْکنَاسِـــی، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْ رَفَعَهُ إِلی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَلَیهِ السَّـــلَامُ فِی قَوْلِهِ عَزَّ ذِکرُهُ: «وَ مَنْ یتَّـــقِ اللَّهَ یجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لا یحْتَســـبُ» قَالَ: «هؤُلَاءِ قَوْمٌ مِنْ شِـــیعَتِنَا ضُعَفَاءُ، لَیسَ عِنْدَهُمْ مَا یتَحَمَّلُونَ بِهِ إِلَینَا فَیسْـــمَعُونَ حَدِیثَنَا وَ یقْتَبِسُونَ مِنْ عِلْمِنَا، فَیرْحَلُ قَوْمٌ فَوْقَهُمْ، وَ ینْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ، وَ یتْعِبُونَ أَبْدَانَهُمْ حَتّی یدْخُلُوا عَلَینَا، فَیسْمَعُوا حَدِیثَنَا، فَینْقُلُوهُ إِلَیهِمْ، فَیعِیهِ هؤُلَاءِ، وَ یضَیعُهُ هـــؤُلَاءِ، فَأُولئِک الَّذِینَ یجْعَلُ اللَّهُ- عَزَّ ذِکرُهُ- لَهُمْ مَخْرَجاً، وَ یرْزُقُهُمْ مِنْ حَیثُ لَایحْتَسِبُونَ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ص ۴۲۶).

طبق این روایت، برخی شیعیان مؤمن توان مالی مسافرت به‌منظور استفاده علمی از محضر امام معصوم را ندارند، اما قوم دیگری با صرف مال و تحمل خستگی راه نزد امام می‌رود، سؤال می‌کنند و پاسخ‌ها را به این شیعیان فقیر می‌رسانند، اما خود، پاسخ‌ها را ضایع و فراموش می‌کنند؛ درحالی‌که شیعیان فقیر علوم امام را حفظ می‌کنند. در این روایت دریافت علم امام مصداق «مخرج» از تنگنا و «رزق» الهی دانسته شده اســـت. این روایت به مفسر کمک می‌کند با خاطر آسوده‌تری مصادیق بســـیار گســـترده‌ای را برای مفاهیمی مانند «مخرج» و «رزق» در نظر بگیرد. افزون بر این، گاهی روایات ادلهٔ قرآنی ناظر به ســـنت‌های الهی را تخصیص یـــا تقیید می‌زنند؛ برای مثال در روایتی در فروع کافی آمده است:

عَنْـــهُ [احمد بن عبدالله]، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِی، عَنْ هَـــارُونَ بْنِ حَمْزَةَ، عَنْ عَلِی بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ، قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَیهِ السَّـــلَامُ: «مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْـــلِمٍ؟». قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاک، أَقْبَلَ عَلَی الْعِبَادَةِ، وَ تَرَک التِّجَارَةَ. فَقَالَ: «وَیحَهُ، أَ مَا عَلِمَ أَنَّ تَارِک الطَّلَبِ لَایسْتَجَابُ لَهُ، إِنَّ قَوْماً مِنْ أَصْحَابِ رَسُـــولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ لَمَّا نَزَلَتْ: «وَ مَنْ یتَّقِ اللَّهَ یجْعَـــلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ یرْزُقْهُ مِنْ حَیثُ لا یحْتَســـبُ» أَغْلَقُوا الْأَبْوَابَ، وَ أَقْبَلُوا عَلَی الْعِبَادَةِ، وَ قَالُوا: قَدْ کفِینَا، فَبَلَغَ ذلِک النَّبِی صَلَّی اللَّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، فَأَرْســـلَ إِلَیهِمْ، فَقَالَ: مَا حَمَلَکمْ عَلَی مَا صَنَعْتُمْ؟ فَقَالُوا: یا رَسُولَ اللَّهِ، تُکفِّلَ لَنَا بِأَرْزَاقِنَا، فَأَقْبَلْنَا عَلَی الْعِبَادَةِ، فَقَالَ: إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذلِک لَمْ یسْـــتَجَبْ لَهُ، عَلَیکـــمْ بِالطَّلَبِ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۹، ص ۵۵۷).

براســـاس این روایت، متغیر «تقوا» به‌صورت مطلق به تحقق «گشـــایش» و «رزق» از جانب خداوند منجر نمی‌شود، بلکه حصهٔ خاصی از تقوا، یعنی «تقوای مقید به طلب»، به گشایش و رزق الهی منجر می‌شود. به این ترتیب، توجه به مصادیق مطرح‌شده در روایات نتایج زیر را به دنبال دارد:

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

الف) فهم بهتری به نحوهٔ انطباق مفهوم بر مصادیق ایجاد می‌کند (مثال بیانگر گسترهٔ مصادیق مفاهیم «مخرج» و «رزق»).

ب) در برخی موارد قیودی را بر مفاهیم ناظر به سنن الهی وضع می‌کنند (مثال، تقید تقوا به طلب برای تأثیر در گشایش و رزق الهی).

این نکته نیز موجب می‌شود گزاره‌های بیانگر سنن الهی، به‌صورت دقیق‌تری بر وضعیت‌های واقعی و تجربی منطبق شوند.

تلاش برای فهم ارتباط سنت‌های الهی با یکدیگر

در مرحلهٔ سوم، پژوهشگر می‌کوشد نسبت سنت‌های الهی در ارتباط با یکدیگر را فهم کند. ممکن است فعلیت‌یافتن سنتی مانع فعلیت‌یافتن سنتی دیگر شود یا به‌عکس، تحقق سنتی مشروط به تحقق سنتی دیگر باشد؛ برای نمونه قرآن کریم بیان می‌کند: «... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء: ۱۵). این آیه سنت الهی عذاب اهل گمراهی را مشروط به ارسال رسل الهی و وصول[1] پیام خداوند به آن‌ها کرده است. همچنین خداوند در آیهٔ شریفهٔ دیگری بیان می‌کند: «وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (انفال: ۳۳) که براساس این آیه، «حضور رسول خدا در میان افراد مستحق عقاب» و همچنین «استغفار» آن‌ها، مانع فعلیت‌یافتن سنت عقاب دنیوی می‌شود. این فهرست را همچنان می‌توان ادامه داد. این نکته نیز قیود پنهان فعلیت‌یافتن سنت‌های الهی را آشکار کرده و حساسیت این قوانین را به واقعیت‌های تجربی بیشتر می‌کند.

در حالت ایده‌آل، روابط میان مجموعه‌ای از سنت‌های ناظر به حوزه‌ای خاص (سنت‌های اقتصادی، سیاسی و...) استخراج می‌شوند و نسبت آن‌ها مشخص می‌شود. این گام نیز، قیود پنهان بسیاری از سنت‌های الهی را آشکار می‌کند و منجر می‌شود خطای تجربی افراد در مقام تطبیق این سنت‌ها بر واقعیت‌های عینی کاهش یابد.

تطبیق سنت‌های الهی بر رویدادهای تاریخی در مقام تبیین آن‌ها

در مرحلهٔ چهارم، برای کشف قیود پنهان سنن الهی، آن‌ها را در تبیین رویدادهای تاریخی به کار می‌گیریم. در بیشتر مواقع، به کار بردن قوانین در مقام تبیین رویدادها موجب تجدیدنظر در فهم

۱. برخی به استفاده از این آیه در اثبات برائت نقلیه اشکالاتی وارد کرده‌اند. یکی از آن‌ها این است که این آیه بر «صدور» بیان دلالت دارد، نه «وصول» آن. به نظر می‌رسد این سخن درست نیست؛ زیرا بیانی که واصل نشود یا در معرض عثور و وصول نباشد، اساساً مصداق بیان نیست و خصلت ذاتی بیان، ظهور برای غیر است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

و صورت‌بندی دقیق‌تر آن‌ها می‌شـــود؛ مثلاً اگر با تطبیق ســـنت‌های الهی بر رویدادهای تاریخی، این ســـنت‌ها به‌طور مکرر نقض شوند، ما در فهم خود تجدیدنظر کرده و برای صورت‌بندی دقیق‌تر ســـنت‌های الهی دوباره به متن دینی رجوع می‌کنیم. این نوعی رابطهٔ دیالکتیکی و رفت و برگشـــتی میان جهان متن و جهان واقع است. در اینجا چند نکته وجود دارد:

الف) جهان انسانی را به یک اعتبار می‌توان به «جهان انسانی پویا»[1] (واقعیت‌های زمان حال) و «جهان انسانی ایستا»[2] (جهان تاریخی) تقسیم کرد. تطبیق سنت‌های الهی بر رویدادهای تاریخی، به معنای به‌کارگیری این سنت‌ها در تبیین رویدادهای جهان انسانی ایستاست.

ب) دسترسی معرفتی ما به رویدادهای تاریخی به‌دلیل دال‌های چهارگانه است؛ یعنی «دال‌های گفتاری»، «دال‌های رفتاری»، «دال‌های نوشتاری» و «دال‌های انضمامی» (اشیایی مانند ابنیهٔ تاریخی و آثار هنری)؛ درنتیجه به این رویدادها دسترســـی معرفتی مســـتقیم نداریم (ســـیدی‌فرد، ۱۴۰۰، ص ۹۴). همچنین مورخان تنها بخشی از رویدادها را نقل کرده‌اند و در نقل همان بخش نیز ســـوگیری‌های معرفتـــی و مفروضات خود را دخالت داده‌اند و از این‌ها گذشـــته در پاره‌ای موارد تاریخ دستخوش تحریف شده است. با توجه به این نکات، آیا بهتر نیســـت بدون گذر از این مرحله (تطبیق ســـنت‌های الهی بر جهان انســـانی ایستا/ رویدادهای تاریخی)، به‌طور مســـتقیم، سنت‌های استخراج‌شده را بر جهان انسانی پویا و سیال تطبیق دهیم؟ به نظر می‌رســـد هرچند تطبیق سنت‌های به‌دست‌آمده بر واقعیت‌های جاری- چنان‌که خواهد آمد- گامی ضروری اســـت، تطبیق سنت‌های الهی بر رویدادهای تاریخی ثبت‌شده نیز از جهات خاصی لازم است که در ادامه بیان شده‌اند:

۱. پیامدهای برخی کنش‌های اجتماعی به‌تدریج و با گذشت زمانی طولانی ظهور می‌کند (مثلاً ماکس وبر[3]، ســـرمایه‌داری مدرن را پیامد ناخواســـتهٔ باورها و کنش‌های برخی فرقه‌های ریاضت‌کش پروتستان می‌دانست و در این مثال، میان متغیر مستقل و تحقق متغیر وابســـته زمانی طولانی فاصله شده اســـت). این نکته بررسی تأثیرات متغیرهای مســـتقل ســـنت‌های الهی در زمان حال را، حداقل بر برخی موارد، با دشواری روبه‌رو می‌کند، اما در مطالعهٔ تاریخ و تطبیق ســـنت‌های الهی بر رویدادهای جهان انســـانی

1. Dynamic
2. Static
3. Max Weber

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

ایســتا با این مشکل مواجه نیســتیم.[1] جهان تاریخی جهانی بسته و با متغیرهای بسیار محدودتری از جهان پویاســت که این موجب ســهولت بیشــتر تطبیق این سنت‌ها بر رویدادهای انسانی می‌شود.

۲. هرچند دسترســی معرفتی ما به تاریخ با محدودیت مواجه اســت، مسدود نیست و با اســتفاده از یک روش‌شناســی پذیرفته می‌توان فهم کمابیــش مطمئنی از رویدادهای تاریخی به دست آورد.

ج) در این مرحله، رجوع ما به جهان ایســتای تاریخــی برای تبیین نهایی رویدادهای تاریخی نیست، بلکه بیشــتر برای تدقیق برداشتمان از سنت‌های الهی به‌واسطهٔ تطبیق این سنت‌ها بر رویدادهای واقعی و ایجاد نوعی رابطهٔ دیالکتیکی میان متن و جهان واقع است؛ بنابراین به لحاظ روش‌شناختی توصیه می‌شود مفسر تا حد امکان به‌دنبال اصلاح شناخت خود از متن در پرتو تطبیق سنت‌های الهی بر جهان تاریخی باشد.

تطبیق سنت‌های الهی اجتماعی بر جهان واقعی

در مرحلهٔ پایانی، تلاش می‌کنیم رویدادهای جهان پویا و واقعی را در پرتو سنت‌های الهی اجتماعی تبیین کنیم. به‌طورکلی در بیشــتر حوزه‌های معرفتی، به‌کارگیری قوانین در تبیین رویدادهای مربوط موجب آشکارشــدن نارسایی‌های آن قوانین می‌شود و در پاره‌ای موارد به جزئی و دقیق‌ترشدن آن‌ها می‌انجامد. گفتنی است آشنایی پژوهشــگر با ضوابط فنی فهم متن، در همهٔ مراحل پنج‌گانهٔ فوق، مفروض انگاشته شده است.

بحث در باب عدم تبدیل و تحویل سنت‌های الهی

خداوند در آیهٔ ۶۲ ســورهٔ احزاب می‌فرماید: «سُــنَّةَ اللّهِ فِی الَّذِینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّهِ تَبْدِیلًا» و در آیهٔ ۲۳ ســوره فتح بیان می‌کند: «سُــنَّةَ اللّهِ الَّتِی قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّهِ تَبْدِیلًا». ممکن است این مسئله به ذهن خطور کند که دو خطاب فوق، نصّ در تبدیل و تحویل نشدن سنت‌های الهی هســتند؛ به‌نحوی‌که ادّعا می‌کنند سنت‌های الهی علی‌الاصول، ابطال‌ناپذیرند. در

۱. امیرمؤمنان (ع) می‌فرمایند: «أَی بُنَی، إِنِّی وَ إِنْ لَمْ أَکنْ عُمِّرْتُ عُمُرَ مَنْ کانَ قَبْلِی فَقَدْ نَظَرْتُ فِی أَعْمَالِهِمْ وَ فکرْتُ فِی أَخْبَارِهِمْ وَ سِــرْتُ فِی آثَارِهِمْ حَتَّی عُدْتُ کأَحَدِهِمْ، بَلْ کأَنِّی بِمَا انْتَهَی إِلَی مِــنْ أُمُورِهِمْ قَدْ عُمِّرْتُ مَعَ أَوَّلِهِمْ إِلَی آخِرِهِمْ، فَعَرَفْتُ صَفْوَ ذَلِک مِنْ کدَرِهِ وَ نَفْعَهُ مِنْ ضَرَرِهِ، فَاسْــتَخْلَصْتُ لَک مِــنْ کلِّ أَمْرٍ [جَلِیلَهُ] نَخِیلَهُ وَ تَوَخَّیتُ لَک جَمِیلَهُ وَ صَرَفْتُ عَنْک مَجْهُولَهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۹۳).

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

رابطه با مدلول دو خطاب فوق چند نکته وجود دارد:

الف) «نفی مؤبد» نسبت به تغییر و تحویل در سنت‌های الهی در آیات فوق، به معنای تحقق «ضرورت منطقی» میان مقدم و تالی در گزاره‌های حاکی از سنت‌های الهی نیست (ضرورت ناشی از فُرم گزاره در سطح نحوی یا صدق منطقی در سطح معناشناختی؛ به‌نحوی‌که نقیض آن مستلزم تناقض باشد)؛ بنابراین گزاره‌های ناظر به سنت‌های الهی دارای «محتوای تجربی»[1] هستند، همان‌طور که گزاره‌های مشتمل بر «ضرورت طبیعی»[2] در عین تخلف‌ناپذیر بودن در جهان طبیعی (و نه در هر جهان ممکن دیگری) محتوای تجربی ندارند و می‌توان نقیض آن‌ها را تصور[3] کرد.

توجه داشته باشید که «ابطال‌نشده» با «ابطال‌ناپذیر» متفاوت است. گزاره‌های حاکی از سنت‌های الهی ابطال نمی‌شوند، اما ابطال‌پذیر هستند و می‌توان «شروط تجربی صدق» و به‌تبع «شروط تجربی کذب» آن‌ها را نشان داد. تصور کذب این گزاره‌ها نیز مشتمل بر تناقض نیست و به‌دنبال آن گزاره‌های مذکور محتوای تجربی ندارند. آنچه نقض می‌شود، فهم و برداشت مفسر از ادله و خطاب‌های ناظر به این سنت‌هاست و اساساً بیان پنج‌مرحله‌ای فوق، مسیری برای دقیق‌شدن فهم مفسر است.

ب) هیئت مضمون در عبارت «لن تجد» دال بر «نفی مؤبد» بوده و مادهٔ آن «وجدان» است؛ بنابراین ظهور مستفاد از هیئت و مادهٔ عبارت مذکور، نفی مؤبد وجدان است نه صرف نفی وجود. آیات فوق در این معنا ظاهرند که وعدهٔ خداوند دربارهٔ غلبهٔ اهل حق بر باطل، تخلف‌ناپذیر است و این قطعیت، قطعیت اثباتی است نه صرف قطعیت ثبوتی. به تعبیر دیگر، آیه درصدد بیان توازی میان مقام ثبوت و اثبات سنت‌های الهی است؛ آنچه از سوی خدا به‌عنوان «سنت» (تکویناً) جعل شده و قابل تبدیل و تحویل نیست، در مقام اثبات نیز تخلف‌ناپذیر است (لن تجد) و نمی‌توان مثال نقضی برای آن یافت؛ بنابراین دو آیهٔ فوق ظهور یا اشعاری به این ندارند که گزاره‌های حاکی از سنت‌های الهی تهی از «محتوای تجربی» هستند و ثانیاً بر تخلف‌ناپذیری این سنت‌ها در مقام اثبات و ظرف فهم تأکید دارند (به‌نحوی‌که این تغییرناپذیری را می‌توان وجدان کرد).

نتیجه‌گیری

مقالهٔ حاضر دو هدف را دنبال کرده است: «ارائهٔ تصویری از سنت الهی اجتماعی» و «طرح

1. Empirical Content
2. Natural Necessity
3. Conceive

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

پیشـــنهادی برای آشکارکردن قیود و شروط مستتر در سنن الهی؛ به‌نحوی‌که به حساسیت بیشتر این سنت‌ها به داده‌های تجربی منجر شود». در ادامه خلاصه‌ای از نتایج بیان شده است:

الف) سنت الهی اجتماعی یک هم‌بستگی واقعی است که در آن متغیر مستقل «حالتی ذهنی» یا «کنشـــی انسانی» و متغیر وابسته «پدیده‌ای طبیعی» یا «روانی» است. منشأ انتزاع شأنی آن توالی میان حالت ذهنی/ کنش انسانی و پدیدهٔ طبیعی/ روانی است و غالباً از طریق ادلهٔ نقلی به دســـت می‌آید و معمولاً در لســـان دلیل آن‌ها بر نقش خدا در تحقق هم‌بستگی به شکل ویژه تأکید شده است.

ب) مراحل آشکارکردن قیود و شروط مستتر در سنت‌های الهی، به‌نحوی‌که به حساسیت بیشتر این سنت‌ها به داده‌های تجربی منجر شوند، در قالب جدول زیر آمده است:

مراحل کشف سنت‌های الهی		سطح بحث	پیش‌شرط اساسی
مرحلهٔ ۱	ایضاح مفاهیم مربوط به سنت‌های الهی	سطح مفاهیم	تسلط به ضوابط فنی فهم متن
مرحلهٔ ۲	کشف مصادیق مفاهیم مذکور با تکیه بر روایات برای فهم بهتر آن‌ها		
مرحلهٔ ۳	فهم روابط میان سنت‌های الهی	سطح گزاره‌ها	
مرحلهٔ ۴	تطبیق ســـنت‌ها بر جهان انســـانی ایســـتا (رویدادهـــای تاریخی) و تجدیدنظر در فهم به‌دست‌آمده از متن در پرتو تطبیق مذکور	سطح تطبیق	
مرحلهٔ ۵	تطبیق سنت‌ها بر جهان انسانی پویا و تجدیدنظر در فهم به‌دست‌آمده از متن با توجه به آن		

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

کتابنامه

۱. **قرآن کریم**.

۲. **نهج البلاغه**. ۱۴۱۴ ق. تصحیح صبحی صالح. قم: نشر هجرت.

۳. سیدی فرد، سید علی. ۱۴۰۰. «بنیان‌های دانش تاریخ». **فصلنامه علوم انسانی اسلامی صدرا**. شماره ۳۶. صص ۹۷-۸۶.

۴. صدر، محمدباقر. ۱۴۲۱ الف. **المدرسة القرآنية**. قم: مرکز الدراسات و الابحاث التخصصية للشهيد الصدر.

۵. _____. ۱۴۲۱ ب. **المعالم الجديدة**. قم: مرکز الدراسات و الابحاث التخصصية للشهيد الصدر

۶. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۴۱۷ ق. **المیزان فی تفسیر القرآن**. جلدهای ۲، ۴، ۸ و ۹. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۲۹ ق. **الکافی**. جلد ۱-۱۵. قم: دار الحدیث.

۸. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱. **جامعه و تاریخ از نگاه قرآن**. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).

۹. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹. **فلسفه تاریخ**. جلد ۱ و ۴. تهران: انتشارات صدرا.

۱۰. نائینی، محمدحسین. ۱۳۷۶. **فوائد الاصول**. تقریرات محمدعلی کاظمی خراسانی. جلد ۱-۴. چاپ اول. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

11. Kincaid, H. 1990. "Defending Laws in the Social Sciences". **Philosophy of the Social Sciences**, Vol. 20. No. 1. PP. 83-56.

12. Reutlinger, A., Gerhard, S., Andreas, H., and Siegfried, J. 2021. "*Ceteris Paribus* Laws". **The Stanford Encyclopedia of Philosophy** (Fall 2021 Edition), Edward N. Zalta (ed.)

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1400.7.4.1.8]
[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-18]